

چرا فیلسوفان اسلامی به فضیلتگرایی رو آوردند

دکتر احد فرامرزقراملکی استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه نظریه های اخلاقی فیلسوفان مسلمان به دیدگاه های فضیلت گرایی در غرب نزدیک تر است، می گوید: میراث فلسفی یونان اعم از آثار افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان ترجمه و مورد توجه نخستین فیلسوفان اخلاق قرار گرفت.

دکتر احد فرامرزقراملکی استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه نظریه های اخلاقی فیلسوفان مسلمان به دیدگاه های فضیلت گرایی در غرب نزدیک تر است، می گوید: میراث فلسفی یونان اعم از آثار افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان ترجمه و مورد توجه نخستین فیلسوفان اخلاق قرار گرفت.

دکتر احد فرامرز قراملکی استاد دانشگاه تهران در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص این موضوع که دلیل گرایش فیلسوفان مسلمان به اخلاق فضیلتگرا چیست و آیا دلیل آن شباهتهای آموزه های اسلامی با آموزه های این اخلاق بوده است، گفت: در بحث فضیلت گرایی اخلاقی در تمدن اسلامی چند نکته مهم وجود دارد. اول اینکه اساساً طبقه بندی مکاتب اخلاقی به فضیلت گرا یا وظیفه گرا و ... هرکدام شروط خاص خود را دارند. این تقسیم بندی یک تقسیم بندی پیشینی نیست، بلکه یک تقسیم بندی توصیفگر از جریانهای مختلف اخلاقی در تمدن غرب است.

وی تصریح کرد: این به این معناست که این طبقه بندی لزوماً مطابق با رشد اخلاق در تمدن اسلامی نیست و اگر لزوماً جریانهای اخلاقی را در یکی از این طبقه بندی ها بگنجانیم شاید به تخصیص نظریه های اخلاقی در تمدن اسلامی برسیم و این نکته مهم و مقدماتی است.

مدیر گروه اخلاق حرفه ای دانشگاه تهران افزود: در تمدن اسلامی جریانهای مهم دیگری نیز وجود دارد. نکته دیگر این که آنچه که در مکاتب اخلاقی در تمدن اسلامی رشد علمی پیدا کرد نظریه اخلاقی فلسفی است. اما این به آن معنا نیست که جریان های دیگر را نادیده بگیریم. به عنوان مثال نظریه های اخلاقی مخصوص به حقوق که از رساله الحقوق امام سجاد(ع) شروع می شود تا به کتاب العشره یا اخلاق زیست علامه مجلسی می انجامد اساساً جریان های مستقل دیگری از اخلاق هستند که بیش از آنکه به فضیلت گرایی نزدیک باشد بیشتر به وظیفه گرایی نزدیک است.

مؤلف کتاب "اخلاق حرفه ای" یادآور شد: واقعیت این است که اساساً نظریه های اخلاقی فیلسوفان مسلمان به دیدگاه های فضیلت گرایی در غرب نزدیک تر است.

وی تصریح کرد: این موضوع چند دلیل دارد. یک دلیل این است که به هر روی میراث فلسفی یونان اعم از آثار افلاطون و ارسطو و آثار نوافلاطونیان ترجمه و مورد توجه نخستین فیلسوفان اخلاق قرار گرفت. کسانی مثل کندی و فارابی و حتی ابن سینا تحت تأثیر این جریانهای اخلاقی بوده اند. از طرف دیگر برداشتی که در تمدن اسلامی از منابع دینی ما شده است با مکاتب فضیلت گرا نسبت معناداری داشته اند.

وی با بیان اینکه استعداد متون دینی ما در فضیلت گرایانه تفسیر شدن، استعداد بالایی است، تأکید کرد: به این دلیل که اساساً نگاه آموزه های دینی به تحول اخلاقی آدم نگاهی استکمالی و تحول کمال محور است. این تحول کمال محور در آثار یونانی هم در میان بود و این نگاه استکمالی به انصاف با مکتب اخلاقی فضیلتگرا همخوانی دارد. این همخوانی در سطح بسیار بالایی وجود داشته است.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش افزود: به طوری که نظریه ملکه اخلاقی که اساساً بر علم النفس یونانی استوار است و نوعی پایه و مبنا برای نظریه فضیلتگرا طرح شده در قرآن با آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْلَمُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» بیان شده است و مفهوم شاکله، تفسیر ملکه را می توانست بپذیرد و این اتفاق نیز رخ داد.

قراملکی در ادامه سخنانش یادآور شد: در واقع کافی بود فیلسوفی شاکله را به ملکه تفسیر کند. اگر بحث تحول اخلاق را به تحول ملکه برگردانیم نظریه های فضیلتگرا خود را به خوبی نشان می دهند.

وی با اشاره به اینکه فارابی تحت تأثیر میراث یونانی فرضیه رفتار را از ملکه جدا می دانست. او معتقد بود رفتار یا خیر است یا شر. اگر اخلاق را به اینجا وصل می کردند شاید به فضیلتگرایی اخلاقی نمی رسیدند و می پرسیدند ملاکهای خیر و شر چیست؟ افزود: زکریای رازی از طریق تراز نامه لذت و رنج برای رفتار خیر و شر ملاک قرار می دهد و معتقد است هر رفتاری که میزان رنجش بیشتر از لذتش باشد رفتار ناروای اخلاقی است. اما فارابی معتقد است رفتار خیر و شر با فضیلت و رذیلت متفاوت است. او فضیلت و رذیلت را به ملکه ربط می دهد. مقسم فضیلت و رذیلت ملکه نفسانی است و این ملکه نفسانی است که فضیلت یا رذیلت است.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: در نظریه اخلاقی فارابی مفهوم فلسفی ملکه اساس نظریه اخلاقی قرار می گیرد و این مفهوم ملکه برمی گردد به نظریه خاصی در رشد اخلاقی که رشد اخلاقی را استکمال نفس می داند. از طریق اکتساب ملکات لازم است که اخلاق را نیز برگردانیم به ملکات آنوقت مقسم فضیلت و رذیلت قرار می گیرد.

وی تشریح کرد: نگاه تحول و رشد اخلاقی کاملاً در متون دینی ما وجود داشته است و میراث یونانی میهمان ناخوانده ای به تمدن اسلامی نبوده، بلکه میهمان خوش قدمی نیز بوده و در تمدن اسلامی جا افتاده است. به همین دلیل گرایشهایی که به

تفسیر اخلاق بر مبنای فضیلت بوده در میان دانشمندان اسلام رواج پیدا کردند.